

بررسی اثرات ضد تشنجی و آرام بخشی عصاره آبی - الکلی برگ گیاه بادرنجبویه (*Melissa officinalis*) بر تشنجات القائی ناشی از کاربرد پنتیلن تترازول در موش صحرایی

محمدباقر غیور^۱، مرتضی بهنام رسولی^{۲*}، نرگس غیور^۱، مریم طهرانی پور^۳، عبدالصالح کامیابی آبکوه^۱

۱- کارشناس ارشد، گروه زیست شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد

۲- دکتر، گروه زیست شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

۳- دکتر، گروه زیست شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد

*آدرس مکاتبه: مشهد، دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم پایه، گروه زیست شناسی

تلفن: ۰۹۱۵۱۱۱۴۰۳۷، نمابر: ۸۷۶۲۲۲۷ (۰۵۱۱)

پست الکترونیک: behnam@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۶

تاریخ تصویب: ۹۰/۶/۲۰

چکیده

مقدمه: کنترل و درمان بیماری های تشنجی مستلزم مصرف دراز مدت داروهای ضد تشنج است که با عوارض جانبی ناخواسته همراه می باشد. از این رو در دهه های اخیر تحقیقات وسیعی در زمینه استفاده از گیاهان دارویی جایگزین انجام گرفته است.

هدف: هدف از اجرای این تحقیق بررسی اثرات ضد تشنجی عصاره آبی - الکلی برگ گیاه بادرنجبویه (*Melissa officinalis*) بر تشنجات القائی ناشی از کاربرد پنتیلن تترازول در موش های صحرایی نر نژاد ویستار بوده است.

روش بررسی: پس از یکدست سازی حیوانات، به موش های صحرایی گروه های تجربی ۱، ۲ و ۳ به ترتیب ۵۰، ۸۰ و ۱۲۰ میلی گرم بر کیلوگرم عصاره آبی الکلی بادرنجبویه به صورت درون صفاقی تزریق شد. به موش های صحرایی گروه کنترل حلال عصاره به روش مشابه تزریق شد. نیم ساعت پس از تزریق عصاره، به موش های صحرایی کلیه گروه ها پنتیلن تترازول با دوز ۸۰ میلی گرم بر کیلوگرم به صورت درون صفاقی تزریق شد و پس از آن رفتارهای اپیلتیفورم حیوانات به مدت ۶۰ دقیقه مورد بررسی قرار گرفت. میزان مرگ و میر حیوانات نیز تا ۲۴ ساعت بعد ثبت شد.

نتایج: در مقایسه با گروه کنترل، تجویز درون صفاقی عصاره در هر سه گروه تجربی موجب افزایش معنی دار ($p < 0.05$) دوره تأخیری بروز مراحل مختلف تشنج شد. علاوه بر این میزان مرگ و میر از ۹۰ درصد در گروه کنترل به ترتیب به ۳۰، ۵۰ و ۶۰ درصد در گروه های تجربی ۱، ۲ و ۳ تقلیل یافت.

نتیجه گیری: از نتایج حاصل از این تحقیق می توان چنین نتیجه گیری کرد که عصاره آبی الکلی گیاه بادرنجبویه دارای اثرات بالقوه آرام بخشی و ضد تشنجی است و احتمالاً از طریق سیستم گابارژیک اثرات خود را اعمال می کند.

کل واژگان: بادرنجبویه، صرع، حملات ناگهانی، پنتیلن تترازول، موش صحرایی



مقدمه

بادرنجبویه (*Melissa officinalis*) گیاهی است علفی و پایا، پرشاخه و پرپشت که بسته به شرایط اقلیمی ارتفاع آن به ۳۰ تا ۸۰ سانتی متر می‌رسد. برگ‌های این گیاه پوشیده از تار، متقابل، بیضوی، به شکل قلب و دندانه دار است. پرورش این گیاه از زمان‌های بسیار قدیم در بین ملل مختلف جهان به منظور درمان بیماری‌ها، معمول بوده است. ابوعلی سینا این گیاه را در ردیف داروهای مقوی قلب جای داده و در کتاب الادویه القلبیه چنین می‌گوید که بادرنبویه «خاصیتی عجیب هم در تفریح و هم در تقویت قلب دارد». بادرنبویه در طب سنتی ایران به عنوان تسکین‌دهنده، تب بر، ضداسپاسم و ضد تشنج، معرق، خوشبوکننده، بادشکن (ضدنفخ) کاربرد دارد. همچنین از این گیاه در درمان بی‌خوابی و اختلالات خواب، اضطراب، افسردگی، بیماری‌های عصبی، میگرن، حالت تهوع، ناراحتی عصبی معده، کم اشتها، کولیک (قولنج)، سرفه، قاعدگی نامنظم، دندان درد و لرزش‌های عصبی استفاده می‌شود [۱،۲]. تحقیقات علمی به عمل آمده بر روی این گیاه نشان می‌دهد بادرنبویه دارای اثرات آرام‌بخشی و تسکین‌دهندگی [۳]، خواب‌آوری [۴]، تقویت‌کننده حافظه [۳]، ضدترومبوز و تجمع پلاکتی [۵]، آنتی‌تیروتروپیک [۶]، ضداسپاسمی، اتساع‌دهندگی عروق [۷،۸]، ضدویروسی، ضدباکتریایی و ضدقارچی [۹،۱۱]، ضدالتهابی و ضدتوموری می‌باشد. [۱۲]. علاوه بر این گزارش‌های علمی جدید خواص ضدافسردگی [۱۳،۱۴]، اثرات آنتی‌اکسیدانی قوی، اثرات حفاظتی بر سیستم عصبی [۱۳،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸] و اثرات ضد دیابتی [۱۹] بادرنبویه را به خوبی نشان داده‌اند.

صرع اختلال عصبی مزمن و شایعی است که با وقوع مکرر حملات ناگهانی (Seizures) ناشی از اختلال در سلول‌های مغزی روی می‌دهد و با تظاهراتی مانند وقایع حسی، حرکتی، پدیده‌های اتونوم و اختلال و یا عدم اختلال در سطح هوشیاری مشخص می‌شود [۲۰،۲۱]. پیش از کشف داروهای ضد تشنج، درمان بیماران صرعی با جراحی مغز،

حجامت و استفاده از گیاهان دارویی صورت می‌گرفت. در این رابطه نخستین درمان دارویی در سال ۱۸۵۷ با برومور پتاسیم صورت گرفت و سپس در سال ۱۹۱۲ فنوباریتال، به عنوان اولین داروی معتبر جهت درمان حملات تشنجی وارد بازار مصرف شد [۲۲]. امروزه با توجه به اثرات جانبی منفی داروهای سنتتیک رویکرد مثبتی نسبت به گیاهان دارویی شکل گرفته است. با توجه به اینکه در طب سنتی برای گیاه بادرنبویه خواص آرام بخشی و ضد تشنجی ذکر شده است در این پروژه تحقیقاتی اثرات احتمالی عصاره آبی - الکلی این گیاه بر تشنجات فراخوانده توسط پنتیلن تترازول در موش‌های صحرایی نر نژاد ویستار مورد بررسی قرار گرفت. هدف از انجام تحقیق حاضر این بود که علاوه بر بررسی تاثیر احتمالی عصاره بر روند ظهور و دوام مراحل تشنج مشخص شود که آیا اثرات عصاره وابسته به دوز است یا خیر.

مواد و روش‌ها

حیوان: موش‌های صحرایی نر بالغ آلبینو نژاد ویستار با سن تقریبی ۲/۵ ماه و وزن تقریبی ۱۸۰ تا ۲۲۰ گرم از مؤسسه سرم سازی رازی مشهد تهیه شود. موش‌های صحرایی در اتاق نگهداری حیوانات دانشکده علوم، در شرایط استاندارد دما (حدود ۲۰ درجه سانتی‌گراد) و نور (۱۲ ساعت تاریکی و ۱۲ ساعت روشنایی) و در قفس‌های پی.وی.سی نگهداری و تنها برای آزمایش‌های مربوط به تحقیق از قفس خارج می‌شدند. تغذیه موش‌های صحرایی با غذای فشرده استاندارد (شرکت جوانه خراسان) و آب معمولی صورت گرفت. جهت سازگاری نمونه‌ها با محیط دو هفته پس از استقرار موش‌های صحرایی در اتاق حیوانات، کارهای آزمایشگاهی بر روی آنها انجام شد.

تهیه گیاه

برگ‌های گیاه بادرنبویه (*Melissa officinalis*) که در اواخر فصل بهار از انستیتو تحقیقات گیاهان دارویی کرج



(هلجرد) تهیه شده بود در مجاورت هوا و به دور از تابش نور خورشید خشک شد. پس از خشک شدن، برگ‌ها پودر و از الک گذرانده شد. پودر یکدست شده جهت عصاره‌گیری مورد استفاده قرار گرفت.

روش استخراج عصاره گیاه بادرنبویه

عصاره‌گیری به روش سوکسله و با اتانول ۷۰ درصد انجام گرفت. بدین منظور ۱۰۰ گرم برگ پودر شده گیاه بادرنبویه داخل کاغذ صافی قرار داده شد و سپس اتانول ۷۰ درصد در فلاسک ریخته و درجه حرارت مطابق نقطه جوش حلال تنظیم شد. عصاره‌گیری به مدت ۱۲ ساعت انجام شد (راندومان ۱۳۴ میلی‌گرم عصاره درازاء هر یک گرم عصاره). عصاره پس از تغلیظ و حذف حلال، بر روی ورقه‌ای از جنس فویل آلومینیومی که پیش از آن وزن شده بود قرار گرفت و پس از توزین به منظور خشک کردن درون آن با حرارت ۴۰ درجه سانتی‌گراد قرار داده شد. پس از نیم ساعت ورقه آلومینیومی به همراه عصاره از آن خارج شده و مجدداً وزن و پس از آن دوباره به آن منتقل شد. این عمل به فاصله زمانی هر نیم ساعت یکبار، چندین بار تکرار شد تا سرانجام وزن فویل و عصاره ثابت شد. پس از خشک شدن کامل عصاره، مقداری از آن وزن و در حجمی معین از نرمال سالیین حل شد تا غلظت‌های مورد نظر برای تزریق به حیوانات حاصل شود. به محلول حاصل به ازای هر ۳۰ درجه سانتی‌گراد نرمالین سالیین ۰/۳ درجه سانتی‌گراد توئین ۸۰ افزوده شد تا فاز الکلی عصاره به خوبی به صورت محلول در آید. حجم تزریق مورد نیاز هر موش صحرایی با توجه به وزن بدن و دوز تزریقی عصاره (۵۰، ۸۰ و ۱۲۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم) محاسبه و نیم ساعت پیش از تزریق پنتیلین تترازول، به صورت درون صفاقی تزریق شد.

روش ایجاد تشنج

کلیه اصول اخلاقی مطابق با اصول کار با حیوانات آزمایشگاهی مصوب دانشگاه انجام شد. جهت ایجاد تشنج از پنتیلین تترازول (شرکت سیگما) استفاده شد. به منظور ایجاد



حملات تجربی در موش‌های صحرایی، نیم ساعت پس از تزریق عصاره گیاه، محلول پنتیلین تترازول با دوز ۸۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم به صورت داخل صفاقی به حیوان تزریق شد. پنتیلین تترازول با دوز ۸۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم موجب ایجاد انقباضات میوکلونیک و تولید حملات ژنرالیزه تونیک-کلونیک می‌شود که در نهایت در ۹۰ درصد موارد به مرگ حیوان منتهی می‌شود [۲۳]. در این تحقیق تشنج به پنج مرحله تقسیم‌بندی شد و زمان شروع هر مرحله و طول دوره زمانی هر مرحله ثبت شد. در هر نوبت آزمایش ابتدا محلول پایه (استوک) از پنتیلین تترازول در نرمالین سالیین استریل تهیه شد. غلظت محلول به گونه‌ای انتخاب گردید که هر ۰/۵ سی‌سی محلول حاوی ۱۵ میلی‌گرم پنتیلین تترازول باشد.

یکسان‌سازی موش‌های صحرایی مورد مطالعه از نظر پاسخ به پنتیلین تترازول

از آنجا که میزان حساسیت و پاسخ نمونه‌های آزمایشگاهی به دوز ثابتی از پنتیلین تترازول، به دلیل تفاوت‌های فردی و خصوصیات ژنتیکی متنوع بوده و دارای پراکندگی نامنظم و بی‌ضابطه‌ای است، موش‌های صحرایی نژاد ویستار پس از یکدست‌سازی از نظر پاسخ به پنتیلین تترازول، جهت بررسی دوز موردنظر عصاره گیاه بادرنبویه مورد آزمایش قرار گرفتند. بدین‌منظور نمونه‌ها پیش از آزمایش اصلی با دوز ۴۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم پنتیلین تترازول تیمار و سپس رفتارهای اپی لپتی فورم حیوان به مدت یک ساعت زیرنظر گرفته شد. در نهایت نمونه‌هایی که پاسخ یکسانی را بروز دادند برای آزمایش اصلی انتخاب و به طور تصادفی در گروه‌های تجربی و کنترل قرار گرفتند. فاصله زمانی میان یکدست‌سازی و آزمایش اصلی دو هفته بود تا زمان لازم برای رفع اثرات پنتیلین تترازول مرحله یکسان‌سازی فراهم باشد.

گروه‌های آزمایشی و نحوه تیمار آنها

۱- گروه کنترل: حلال عصاره (سرم فیزیولوژیک + توئین) و نیم ساعت پس از آن پنتیلین تترازول.

گرفته شد. کلیه تحلیل‌های آماری و رسم نمودارها توسط نرم‌افزار اکسل انجام شد.

نتایج

نتایج تست آماری ANOVA میان میانگین زمان بروز مراحل مختلف تشنج در بین گروه‌های تجربی و کنترل حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار ($p < 0/05$) در بین گروه‌ها می‌باشد. بر این اساس برای تفکیک گروه‌هایی که با یکدیگر تفاوت معنی‌دار دارند از آزمون Student's *t*-test استفاده شد.

نتایج مشاهدات مربوط به گروه‌های آزمایشی اول و دوم که نیم ساعت پیش از تزریق پنتیلن تترازول با دوزهای ۵۰ و ۸۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم عصاره آبی - الکلی گیاه بادرنجبویه تیمار شده بودند نشان می‌دهد که میانگین زمان شروع حملات در تمامی مراحل پنج‌گانه تشنج در مقیاسه با گروه کنترل به طور معنی‌داری ($p < 0/05$) افزایش یافته است (جدول شماره ۱). در گروه آزمایشی سوم (دوز ۱۲۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم) به جز در مرحله نخست که میانگین زمان آغاز حملات با گروه کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. تجویز عصاره گیاه زمان شروع تشنج تونیک - کلونیک (مرحله چهار تشنج) را از حدود ۷۸ ثانیه در گروه کنترل به ۱۰۲/۴ در دوز ۱۲۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم ($p < 0/05$)، ۱۰۵/۶ در دوز ۸۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم ($p < 0/01$) و ۵/۱۴۰ در دوز ۵۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم ($p < 0/01$) افزایش می‌دهد. از نظر تعداد نمونه‌هایی که حملات تشنجی تونیک - کلونیک (مرحله ۴) را نشان دادند دوز ۵۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم تعداد وقوع حملات تونیک - کلونیک را از ۱۰۰ درصد در گروه کنترل به ۴۰ درصد کاهش داد. علاوه بر این هر سه دوز مورد آزمایش میزان مرگ و میر را در بازه زمانی ۲۴ ساعت پس از تزریق درون صفاقی پنتیلن تترازول نسبت به گروه کنترل کاهش دادند به طوری که میزان ۹۰ درصد مرگ و میر در گروه کنترل به ۶۰ درصد در دوز ۱۲۰، ۵۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم درصد در دوز ۸۰ و ۳۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم درصد در دوز ۵۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم کاهش یافت (نمودار شماره ۱).

۲- گروه‌های آزمایشی ۱، ۲ و ۳: به ترتیب مقادیر ۵۰، ۸۰ و ۱۲۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم عصاره آبی - الکلی گیاه و نیم ساعت پس از آن پنتیلن تترازول. در همه گروه‌ها پنتیلن تترازول با دوز ۸۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم به صورت داخل صفاقی به حیوان تزریق و بلافاصله پس از آن رفتارهای اپی‌لپتی فورم حیوان بر اساس زمان ظهور و دوره دوام مراحل مختلف تشنج ثبت شد. بدین ترتیب هر نمونه به مدت یک ساعت جهت بررسی مشخصه‌های رفتاری مراحل مختلف تشنج تحت مشاهده مستقیم و پس از آن تا ۲۴ ساعت در حیوانخانه جهت کنترل مرگ و میر مورد کنترل قرار گرفت. با توجه به سیکل شبانه روزی فعالیت‌های حیاتی (ساعت‌های بیولوژیک) تمامی مراحل آزمایش در بازه زمانی ساعت ۹ صبح الی ۱۴ انجام گرفت.

مراحل مختلف و ملاک‌های تشخیص هر مرحله

مرحله صفر: رفتارهای عادی.
مرحله یک: تشنجات منفرد میوکلونیک سر.
مرحله دو: تشنجات بیشتر سر همراه با تکان‌های اندام قدامی.
مرحله سه: تشنج کل بدن و اندام حرکتی قدامی، معمولاً دست‌ها کمی از تکیه‌گاه بلند می‌شود.
مرحله چهار: تشنجات تونیک - کلونیک ژنرالیزه در کل بدن همراه با کلونوس مکرر دست‌ها.
مرحله پنج: چرخش و پرش مکرر حیوان و افتادن به پهلو.
مرحله شش: مرگ

روش‌های آماری

جهت مقایسه نتایج حاصل از بررسی گروه‌های مختلف و تأیید وجود و یا عدم وجود تفاوت معنی‌دار میان میانگین زمان‌های وقوع مراحل مختلف تشنج از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده شد. در صورت وجود اختلاف معنی‌دار میان گروه‌ها و به منظور تفکیک گروه‌هایی که با یکدیگر اختلاف معنی‌دار داشتند از آزمون Student's *t*-test بهره گرفته شد. از نظر آماری مقادیر $p < 0/05$ معنی‌دار در نظر



جدول شماره ۱- مقایسه اثرات تجویز درون صفاقی دوزهای ۵۰، ۸۰ و ۱۲۰ میلی گرم بر کیلوگرم عصاره آبی- الکلی بادرنجبویه در موش های صحرایی نر نژاد ویستار، بر میانگین زمان شروع مراحل مختلف تشنج (بر حسب ثانیه) ناشی از تزریق درون صفاقی دوز ۸۰ میلی گرم بر کیلوگرم پنتیلن تترازول به مدت نیم ساعت پس از تجویز عصاره بادرنجبویه در گروه های آزمایشی با گروه کنترل

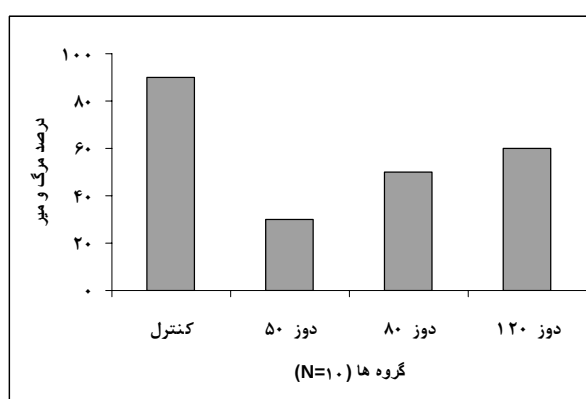
گروه ها	مرحله تشنج	مرحله ۱	مرحله ۲	مرحله ۳	مرحله ۴	مرحله ۵
گروه کنترل		۶۰/۸ (±۳/۰۵) N=۱۰	۶۹/۵ (±۴/۹۶) N=۱۰	۷۳/۴ (±۴/۴۸) N=۱۰	۷۸/۱ (±۵/۱۳) N=۱۰	۸۱/۹ (±۵/۴۹) N=۱۰
گروه آزمایشی ۱ (۵۰ میلی گرم بر کیلوگرم)		۷۴/۵ (± ۱/۵۸) N=۱۰	۸۴/۵ (±۳/۷۳) N=۱۰	۹۷/۴ (±۳/۶۳) N=۱۰	۱۴۰/۵ (±۱۴/۳) N= ۴	۱۴۴ (±۱۴/۳۵) N= ۴
گروه آزمایشی ۲ (۸۰ میلی گرم بر کیلوگرم)		۸۱/۴ (±۵/۸۱) N=۱۰	۹۰/۷ (±۶/۹) N=۱۰	۹۸ (±۷/۵۸) N=۱۰	۱۰۵/۶ (±۷/۲۵) N=۱۰	۱۱۰/۵ (±۸) N=۱۰
گروه آزمایشی ۳ (۱۲۰ میلی گرم بر کیلوگرم)		۶۸/۷ (±۳/۶۴) N=۱۰	۸۶/۹ (±۵/۷۵) N=۱۰	۹۷ (± ۸/۰۲) N=۱۰	۱۰۲/۴ (±۸/۴۴) N=۱۰	۱۰۵/۶ (±۸/۵۲) N=۱۰

داده های جدول میانگین (± خطای معیار) مربوط به ده موش صحرایی نر نژاد ویستار در هر یک از گروه هاست.

مقایسه گروه کنترل با گروه های آزمایشی (Student's t-test): * p < ۰/۰۵، ** p < ۰/۰۱، *** p < ۰/۰۰۱

مقایسه گروه آزمایشی ۱ با گروه های آزمایشی ۲ و ۳ (Student's t-test): * p < ۰/۰۵

N تعداد نمونه هایی که مرحله تشنجی مورد نظر را نشان دادند



نمودار شماره ۱- میزان مرگ و میر در بازه زمانی ۲۴ ساعت پس از تزریق درون صفاقی دوز ۸۰ میلی گرم بر کیلوگرم پنتیلن تترازول بر حسب درصد در موش های صحرایی نر نژاد ویستار تیمار شده با تزریق درون صفاقی دوزهای ۵۰، ۸۰ و ۱۲۰ میلی گرم بر کیلوگرم عصاره آبی - الکلی بادرنجبویه و گروه کنترل

اثرات عصاره بادرنجبویه بر طول دوره هر مرحله از تشنج

نتیجه تست آماری ANOVA میان میانگین دوره دوام مراحل مختلف تشنج حاکی از وجود تفاوت معنی دار در مراحل اول تا چهارم تشنج می باشد. بر این اساس برای تفکیک گروه هایی که با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند از آزمون Student's *t*-test استفاده شد.

بحث

امروزه با توجه به اثرات جانبی منفی داروهای سنتتیک نیاز به یافتن داروهای جدید به ویژه داروهای با منشأ طبیعی که بدون عوارض و یا همراه با عوارض جانبی کم باشند کاملاً احساس می شود. در این راستا بررسی علمی بر روی گیاهان دارویی که در طب سنتی کاربرد دارند در حال توسعه و گسترش است. بادرنجبویه گیاهی است که در طب سنتی ایران و دیگر کشورها کاربرد درمانی گسترده ای دارد و جزو گیاهان دارویی درجه یک محسوب می شود. یکی از خواص ذکر شده برای این گیاه خصوصیت آرام بخشی و ضد تشنجی آن است. به همین دلیل در این تحقیق اثرات ضد تشنجی احتمالی عصاره آبی - الکلی این گیاه بر تشنجات فراخوانده توسط پنتیلین تترازول در موش های صحرایی نر نژاد ویستار مورد بررسی قرار گرفت. در این رابطه از میان روش های مختلف القاء کننده تشنج، روش شیمیایی به دلیل سهل الوصول بودن و ایجاد تغییرات رفتاری اپیلپتیفورم مشهود انتخاب شد. بدین منظور از پنتیلین تترازول که ماده ای رایج در ایجاد تشنجات تونیک - کلونیک در مدل های حیوانی با تجویز سیستمیک است استفاده شد.

پنتیلین تترازول تعادل سیستم های مهاری و تحریکی دستگاه عصبی مرکزی را بر هم می زند [۲۴]. این ماده آنتاگونیست گابا است و از طریق اتصال به گیرنده گابای A فعالیت کانال کلری جفت شده با این گیرنده را مختل می کند. افزون بر این پنتیلین تترازول موجب فعال سازی مدارهای گلو تاما ترژیک مرتبط با مسیر Calcium-calmodulin/NOS/NO می شود [۲۴]. با توجه به اینکه پنتیلین تترازول با دوز ۸۰ میلی گرم بر

کیلو گرم موجب ایجاد انقباضات میوکلونیک و تولید حملات ژنرالیزه تونیک - کلونیک منجر به مرگ می شود [۲۳]، در تحقیق حاضر از این دوز برای القاء تشنج استفاده شد.

نتایج حاصل تحقیق حاضر نشان می دهد که دوز ۵۰ میلی گرم بر کیلو گرم نسبت به سایر دوزها اثرات ضد تشنجی بیشتری داشته است. با افزایش دوز عصاره گیاه اثرات ضد تشنجی آن کاهش می یابد (جدول شماره ۱). داده های ارائه شده در جدول شماره ۲ نشان می دهد که عصاره بادرنجبویه دوره زمانی (دوام) مراحل مختلف تشنج را نسبت به گروه کنترل به طور چشمگیری زیاد می کند. این نتیجه ممکن است در ابتدا غیرمنتظره به نظر آید. در توضیح این یافته می توان چنین استدلال کرد که تجویز عصاره با طولانی کردن دوره زمانی هر مرحله، زمان ورود به مراحل بعدی و در نهایت ورود به مرحله تونیک - کلونیک را به تأخیر می اندازد. در گروه کنترل موش های صحرایی به سرعت مراحل مختلف تشنج را پشت سر گذاشته و در زمان کوتاهی به مرحله تونیک - کلونیک و سرانجام مرگ وارد می شوند. تأخیر در ورود به هر مرحله و یا به عبارت دیگر طولانی شدن دوره زمانی هر مرحله به سیستم های دفاعی بدن این فرصت را می دهد تا مکانیسم های مناسب برای مقابله با اثرات پنتیلین تترازول را فعال نماید. علاوه بر این با خروج تدریجی پنتیلین تترازول از گردش خون اثرات تشنج زایی آن رفته رفته کاهش می یابد. بنابراین طولانی شدن دوره زمانی مراحل مختلف تشنج در گروه های آزمایشی را می توان به عنوان یکی از اثرات مثبت عصاره بادرنجبویه تلقی کرد.

گزارش های معدود تحقیقات به عمل آمده بر روی اثرات ضد تشنجی عصاره در بعضی موارد موافق و در بعضی موارد دیگر مغایر با نتایج حاصل از تحقیق حاضر است. به عنوان نمونه در تحقیقی که بر روی موش های صحرایی ماده انجام شده است دوز ۵۰ میلی گرم بر کیلو گرم را مؤثرترین دوز و دوز ۷۰ میلی گرم بر کیلو گرم را غیر مؤثر ذکر کرده اند [۲۵]. یکی از



جدول شماره ۲- مقایسه کلی اثرات تزریق درون صفاقی دوزهای ۵۰، ۸۰ و ۱۲۰ میلی گرم بر کیلوگرم عصاره آبی - الکلی بادرنجبویه بر میانگین زمان دوام مراحل مختلف تشنج ناشی از تزریق درون صفاقی دوز ۸۰ میلی گرم بر کیلوگرم پنتیلین تترازول برحسب ثانیه ($\pm$ خطای معیار) در گروه‌های آزمایشی با گروه کنترل

گروه‌ها	مرحله نخست	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم
گروه کنترل	۸/۷ ($\pm ۱/۹۹$) N=۱۰	۳/۹ ($\pm ۰/۷۳$) N=۱۰	۴/۷ ($\pm ۱/۴۲$) N=۱۰	۳/۸ ($\pm ۰/۷۵$) N=۱۰
گروه آزمایشی ۱ (۵۰ میلی گرم بر کیلوگرم)	۱۰ ($\pm ۲/۹$) N=۱۰	۱۳ ($\pm ۱/۶۵$) *** N=۱۰	۴۳/۲۵ ($\pm ۱۴/۳$) *** N=۴	۳/۲۵ ($\pm ۰/۲۵$) N=۴
گروه آزمایشی ۲ (۸۰ میلی گرم بر کیلوگرم)	۹/۱ ($\pm ۲/۲۵$) N=۱۰	۷/۳ ($\pm ۱/۷۷$) N=۱۰	۷/۶ ($\pm ۲/۳۲$) N=۱۰	۴/۹ ($\pm ۱/۳۳$) N=۱۰
گروه آزمایشی ۳ (۱۲۰ میلی گرم بر کیلوگرم)	۱۸/۲ ($\pm ۱/۶۵$) ** N=۱۰	۱۰/۱ ($\pm ۲/۵۹$) * N=۱۰	۵/۴ ($\pm ۰/۵۹$) N=۱۰	۳/۲ ($\pm ۰/۲۲$) N=۱۰

مقایسه گروه‌های آزمایشی با گروه کنترل (Student's t-test): $p < ۰/۰۰۱$ ، $p < ۰/۰۱$ ، $p < ۰/۰۵$ ***

N تعداد نمونه‌هایی که مرحله تشنجی موردنظر را نشان دادند.

دلایل احتمالی تناقض میان نتایج حاصل از تحقیق حاضر با تحقیقات مشابه قبلی ممکن است به تکنیک‌های آزمایشگاهی به کار رفته در دو تحقیق مربوط باشد. بدیهی است که استفاده از مدل‌های جانوری ماده به دلیل سیکل جنسی و عدم ثبات هورمونی جنس ماده در طول سیکل جنسی نمی‌تواند مدل جانوری مناسبی برای تحقیق باشد. در این رابطه پروژسترون به عنوان یک ضد تشنج طبیعی موجب تقویت سیستم مهاری گابارژیک شده و سترز گابا و تعداد گیرنده‌های گابای A را افزایش می‌دهد و بالعکس، استروژن به عنوان عامل ایجادکننده تشنج با کاهش کندانسانس کلری موجب تقلیل اثرات مهاری سیستم گابارژیک و با عمل به عنوان آگونیست گیرنده‌های NMDA موجب تقویت سیستم تحریکی گلوتاماترژیک می‌گردد. علاوه بر این استروژن تعداد سیناپس‌های عصبی تحریکی را نیز افزایش می‌دهد [۲۶]. عدم یکدست‌سازی نمونه‌ها پیش از آزمایش اصلی نیز ممکن است در نتیجه نهایی آزمایش تأثیر بگذارد. موش‌های صحرایی هرچند هم که در شرایط یکسان و از نژاد یکسانی باشند باز هم تفاوت‌های ژنتیکی و فردی میان آنها باعث بروز پاسخ‌های متفاوتی می‌شود.

شواهد موجود نشان می‌دهند که سیستم هدایت کولینرژیک به طریقی پیچیده با صرع در ارتباط است و نقش این سیستم در تولید و گسترش تخلیه‌های الکتریکی صرعی توسط چندین تحقیق آشکار شده است [۲۷، ۲۸]. از طرف دیگر عصاره بادرنجبویه به دلیل دارا بودن منوترپن‌ها آنزیم استیل کولین استراز را مهار می‌کند و علاوه بر این با اتصال به هر دو گیرنده نیکوتینی و موسکارینی استیل کولین و در نتیجه تنظیم سیستم کولینرژیک در فرآیندهای ادراکی موثر است [۲۹-۳۱]. در عین حال این ویژگی‌ها ممکن است دارای اثرات تشدیدکننده‌ای بر حملات صرعی باشند و شاید عدم تأثیر عصاره در دوزهای بالا بر حملات القاء شده در نمونه‌های آزمایشی به دلیل عملکرد همین ویژگی تقویت کنندگی سیستم کولینرژیک باشد.

از طرف دیگر افزایش کارایی سیستم گابارژیک اگرچه حملات افسانس را شدیدتر می‌کند ولیکن حملات تونیک-کلونیک القاء شده با پنتیلین تترازول را مهار می‌کند [۳۲]. بر این اساس یکی از مکانیسم‌های احتمالی اثر تسکین‌بخشی و آرام‌بخشی بادرنجبویه ممکن است ناشی از عملکرد مهاری گابا در سیستم اعصاب مرکزی باشد (ماده مؤثر به جایگاه بنزودیازپین بر روی گیرنده گابای A متصل می‌شود). عصاره



در تحقیق مشابهی که بروشکی و همکاران (۱۳۸۲) بر روی موش سوری انجام داده‌اند و در آن یک گروه از موش‌ها به عنوان گروه کنترل مثبت تحت تأثیر فنوباریتال قرار داده شده بودند نشان داده شده است که اثرات ضدتشنجی عصاره بادرنجبویه کمتر از فنوباریتال است [۳۸]. با این حال عدم وجود عوارض جانبی و یا عوارض جانبی کم فرآورده‌های طبیعی از جمله عصاره بادرنجبویه نقطه قوت تمایل به استفاده بیشتر از طب گیاهی در مقایسه با طب شیمیایی است.

نتیجه‌گیری

در مجموع، باتوجه به ویژگی‌های عصاره بادرنجبویه و همچنین نتایج حاصل از تحقیق حاضر، بادرنجبویه را می‌توان به عنوان کاندیدایی برای تعدیل حملات صرعی مطرح کرد. عصاره گیاه بادرنجبویه اثرات آرام‌بخشی و خواب‌آوری خوبی دارد ولیکن در مقایسه با داروهای شیمیایی مانند فنوباریتال عامل ضدتشنج قدرتمندی به حساب نمی‌آید.

آبی بادرنجبویه دارای اثر مهار قوی بر گابا ترانس آمیناز (GABA-T) است [۳۳]. در این ارتباط چنین به نظر می‌رسد که برخی از فلاونوئیدها بر روی بعضی از نرون‌های مهار قوی (GABA) اثر می‌کنند و موجب تقویت این سیستم مهار قوی می‌شوند. از آنجاکه عصاره الکلی گیاه نسبت به عصاره آبی آن اثر بیشتری بر سیستم گابا دارد [۳۴] بنابراین چنین به نظر می‌رسد که این قابلیت بیشتر ناشی از فلاونوئیدهای محلول در الکل باشد [۳۵]. علاوه بر این عصاره گیاه بادرنجبویه دارای ژرانیول با اثرات خواب‌آوری و ضدتشنجی، کافئیک اسید با اثرات ضدتشنجی [۳۶] و ترکیبات آروماتیک است که در کاهش اضطراب و تنش‌های روانی مؤثرند و اثر آرام بخشی بر سیستم عصبی دارند [۳۷]. بنابراین اثرات ضدتشنجی عصاره بادرنجبویه ممکن است ناشی از مجموعه‌ای از ترکیبات موجود در عصاره بادرنجبویه باشد که تعیین سهم هر یک نیازمند تحقیقات بیشتر و جداگانه است.

منابع

1. Zargari A. Medicinal plants. 4th ed. Tehran University Press. Tehran. 1990, pp: 77 – 81.
2. Anon. Iranian herbal pharmacopoeia. Ministry of Health Publication. Tehran. 2002, pp: 121 – 41.
3. Perry EK, Pickering AT, Wang WW, Houghton P and Perry NS. Medicinal plants and Alzheimer's disease: Integrating ethnobotanical and contemporary scientific evidence [Review]. *J. Alternative and Complementary Medicine* 1998; 4: 419 – 28.
4. Soulimani R, Fleurentin J, Mortier F, Misslin R, Derrieux G and Pelt JM. Neurotropic action of the hydroalcoholic extract of *Melissa officinalis* in the mouse. *Planta Med.* 1991; 57: 105 – 9.
5. Zou ZW, Xu LN and Tian JY. Antithrombotic and antiplatelet effects of rosmarinic acid, a water-soluble component isolated from radix *Salviae miltiorrhizae* (danshen). *Yao Hsueh Hsueh Pao.* 1993; 28: 241 – 5.
6. Tagashira M and Ohtake Y. A new antioxidative 1, 3-benzodioxole from *Melissa officinalis*. *Planta Med.* 1998; 64: 555 – 8.
7. Reiter M and Brandt W. Relaxant effects on tracheal and ileal smooth muscles of the guinea pig. *Arzneim-Forsch/Drug Res.* 1985; 35 (I): 408 – 14.
8. Sadraei H, Ghannadi A and Malekshahi K. Relaxant effect of essential oil of *Melissa officinalis* and citral on rat ileum contractions. *Fitoterapia* 2003; 74: 445 – 52.
9. May G and Willuhn G. Antiviral effect of aqueous plant extracts in tissue culture. *Arzneimittelforschung.* 1987; 28: 1 – 7.



10. Dimitrova Z, Dimov B, Manolova N, Pancheva S, Ilieva D and Shishkov S. Antiherpes effect of *Melissa officinalis* L. extracts. *Acta Microbiologica Bulgarica*. 1993; 29: 65 – 72.
11. Kucera LS and Herrmann EC. Antiviral substances in plants of the mint family (labiatae). I. Tannin of *Melissa officinalis*. *Proceedings of the Society for Experimental Biology and Medicine* 1967; 124 (3): 865 – 9.
12. Peake PW, Pussell BA, Martyn P, Timmermans V and Charlesworth JA. The inhibitory effect of rosmarinic acid on complement involves the C5 convertase. *J Immunopharmac*. 1991; 13 (7): 853 – 7.
13. López V, Martín S, Gómez-Serranillos MP, Carretero ME, Jäger AK and Calvo MI. Neuroprotective and neurological properties of *Melissa officinalis*. *Neurochemical Res*. 2009; 34 (11): 1955 – 61.
14. Emam Ghoreyshi M and Talebianpour MS. Antidepressant effect of *Melissa officinalis* in the forced swimming test. *Daru*. 2009; 17 (1): 42 - 7.
15. Dastmalchi K, Damien Dorman HJ, Oinonen PP, Darwis Y, Laakso I and Hiltunen R. Chemical composition and in vitro antioxidative activity of a Lemon Balm (*Melissa officinalis* L.) extract. *LWT - Food Science and Technol*. 2008; 41 (3): 391 – 400.
16. Ghayoor N, Behnam-Rassouli M, Afsharian M, Tehranipour M and Ghayoor M. The protective effects of *Melissa officinalis* leaves usage on learning disorder induced by lead acetate administration during pre and postnatal periods in rats. *Arak Medical University Journal (AMUJ)*. 2010; 13 (1): 97 – 104.
17. Momeni Z, Rostami S, Ghayour N and Behnam-Rassouli M. Evaluating the protective effects of *Melissa officinalis* on learning deficits of rat's offspring exposed to lead acetate during pre- and postnatal periods. *Armaghan Danesh, Yasuj University of Medical Research Sciences J*. 2010; 14 (56): 48 – 57.
18. Rostami S, Momeni Z, Behnam-Rassouli M, Ghayour N. Comparison of antioxidant effect of *Melissa officinalis* leaf and vitamin C in lead acetate induced learning deficits in rat. *Daneshvar (Medicine) Shahed University* 2010; 86: 49 – 56.
19. Chung MJ, Cho SY and Lee SJ. Low level of Lemon Balm (*Melissa officinalis*) essential oils showed hypoglycemic effects by altering the expression of glucose metabolism genes in db/db mice. *Faseb J*. 2008; 22: 1113 – 7.
20. Dekker PA. Epilepsy, A manual for medical and clinical officers in Africa. Revised edition, World Health Organization Geneva 2002.
21. Fisher RS. Animal model of epilepsies. *Brain Res. Rev*. 1989; 14 (3): 245 – 78.
22. Hemmatkhah F. Family doctor guide to epilepsy. 5th ed. Asreketab Press. Tehran. 1385, pp: 5 – 63.
23. Del-Be EA, Oliveira PR, Oliveira JAC, Mishra PK, Jobe PC and Garcia-Cairasco N. Anticonvulsant and proconvulsant roles of nitric oxide in experimental epilepsy models. *Braz J. Med. Biol. Res*. 1997; 30 (8): 971 – 9.
24. Bikjdaouene L, Escames G, Camacho E, Leon J, Ferrer JMR, Espinos A, Gallo MA, Luna JD and Castroviejo DA. Effects of some synthetic kynurenines on brain amino acids and nitric oxide after pentylentetrazole administration to rats. *J. Pineal Res*. 2004; 36 (4): 267 – 77.
25. Mahmoodi M, Heidari MR and Zohoor AR. Experimental study to evaluate the pretreatment of *Melissa officinalis* extract against lethal seizures induced by pentylentetrazole in wistar rats. *Journal of Kerman University of Medical Sci*. 2001; 8 (2): 88 – 94.
26. Morrell MJ. Epilepsy in women. *American Family Physician*. 2002; 66 (8): 1489 – 94.
27. Schneider PG and Rodríguez de Lores Arnaiz



- G. Ligand binding to CNS muscarinic receptor is transiently modified by convulsant 3-mercaptopropionic acid administration. *Neurochemical Res.* 2000; 25 (5): 637 – 43.
28. Khan G M, Smolders I, Ebinger G and Michotte Y. 2-Chloro-*N* 6-cyclopentyladenosine-elicited attenuation of evoked glutamate release is not sufficient to give complete protection against pilocarpine-induced seizures in rat. *Neuropharmacol.* 2001; 40: 657 – 67.
29. Kennedy DO, Wendy L and Scholey AB. Attenuation of laboratory-induced stress in humans after acute administration of *Melissa officinalis* (Lemon Balm). *Psychosomatic Medicine* 2003; 66: 607 – 13.
30. Akhondzadeh S, Noroozian M, Mohammadi M, Ohadinia S, Jamshidi AH and Khani M. *Melissa officinalis* extract in the treatment of patients with mild to moderate Alzheimer's disease: a double blind, randomised, placebo controlled trial. *J. Neurol. Neurosurg. Psychiatry* 2003; 74: 863 – 6.
31. Kennedy DO and Scholey AB. The psychopharmacology of European herbs with cognition-enhancing properties. *Current Pharmaceutical Design.* 2006; 35: 4613 – 23.
32. Buckmaster PS, Zhang GF and Yamawaki R. Axon sprouting in a model of temporal lobe epilepsy creates a predominantly excitatory feedback circuit. *J. Neurosci.* 2002; 22: 6650 – 8.
33. Awad R, Levac D, Cybulska P, Merali Z, Trudeau VL and Arnason JT. Effects of traditionally used anxiolytic botanicals on enzymes of the gamma-aminobutyric acid (GABA) system. *Canadian J. Physiology and Pharmacol.* 2007; 85 (9): 933 – 42.
34. Medhat Salah S and Jager AK. Screening of traditionally used Lebanese herbs for neurological activities. *J. Ethnopharmacol.* 2005; 97: 145 – 9.
35. Gracza L, Koch H and Loffler E. Biochemical-pharmacologic studies of medicinal plants. Isolation of rosmarinic acid from *Symphytum officinale* L. and its anti-inflammatory activity in an in vitro model. *Arch Pharm (Weinheim).* 1985; 318: 1090 – 5.
36. Pierce JMS. A disease once scared. A history of the medical understanding of epilepsy. *Brain.* 2002; 125 (2): 441 - 2.
37. Buchbauer G, Jirovetz L, Jager W, Plank C and Dietrich H. Fragrance compounds and essential oils with sedative effects upon inhalation. *J. Pharmaceutical Sci.* 1993; 82: 660 – 4.
38. Boroushaki MT, Malek F and Baharloo A. A comparative study on the anticonvulsive effects of the aqueous extract of the *Melissa officinalis* plant with Phenobarbital in pentylentetrazol-induced seizures on mice. *J. Medical Faculty Guilan University of Medical Sci.* 2004; 48 (12): 14 - 8.

